

پیش‌بینی پرخاشگری بر پایه ویژگی‌های شخصیتی دختران نوجوان پایه نهم شهر یزد

فرشته السادات سیدحسینی^۱

نجمه سدرپوشان^۲

محمدحسین فلاح^۳

چکیده

پرخاشگری از جمله پدیده‌های نابهنجار دوره نوجوانی است که از شیوع قابل توجهی برخوردار است از این رو این پدیده به عنوان یک موضوع مهم در مطالعات روان‌شناسی و جامعه‌شناسی قرار گرفته است. این پژوهش با هدف پیش‌بینی پرخاشگری بر پایه ویژگی‌های شخصیتی دختران پایه نهم شهر یزد صورت گرفت. پژوهش حاضر یک مطالعه همبستگی بوده و جامعه مورد مطالعه کلیه دانش‌آموزان دختر پایه نهم شهر یزد بودند که بدین منظور ۱۷۷ دانش‌آموز با بهره‌گیری از روش تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. نمونه موردنظر پرسشنامه‌های پرخاشگری باس و پری (۱۹۹۲) و پرسش‌نامه پنج‌عامل شخصیت (neo-ffi-r) کاستا و مک کری (۱۹۹۲) را تکمیل نمودند. داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون در نرم‌افزار spss23 تجزیه و تحلیل شدند. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد رابطه معناداری بین پرخاشگری نوجوانان و ویژگی‌های شخصیتی آنان وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: پرخاشگری، نوجوان، ویژگی‌های شخصیتی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱ دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی یزد، ایران، seidhasani.f@gmail.com

۲ استادیار گروه مشاوره واحد خمینی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی خمینی شهر، ایران

۳ دانشیار گروه روانشناسی واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی یزد، ایران

امروزه بسیاری از خانواده‌ها از خشونت و پرخاشگری فرزندان خود شکایت دارند. آنها تمایل دارند که علت این رفتارها را بدانند و راه‌های پیشگیری و اصلاح رفتار را در این زمینه به کار گیرند. خشم که یکی از عواطف متداول کودکان و نوجوانان است در اثر برخورد آنها به مانعی که بر سر راه هدفشان قرار گیرد حاصل می‌شود و به پرخاشگری که یک واکنش عمومی به ناکامی امیال است منجر می‌گردد (گلچین، ۱۳۸۱). از سویی خشم پرشورترین هیجان‌هاست که می‌تواند موجب قوی‌تر و نیرومند شدن آدم‌خشمگین گشته و احساس کنترل وی را کاهش دهد. کارکرد مثبت و فواید خشم در جرأت‌ورزی و واکنش به بی‌عدالتی‌ها نیز غیر قابل انکار است. این هیجان در عین حال از انواع خطرناک هیجان‌هاست به طوری که هدف آن حتی می‌تواند نابود کردن موانع در محیط باشد (بقایی لاکه و خلعتبری، ۱۳۸۹). به همین دلیل، این مسئله توجه متخصصان به ویژه روانشناسان را به خود جلب کرده است. در طی سال‌های گذشته، پژوهش‌هایی به منظور یافتن علل خشم و تاثیرات آن در روابط بین فردی و شیوه‌های کنترل آن صورت گرفته است. تحقیقات نشان می‌دهند که خشم از جمله هیجان‌هایی است که والدین به طور معمول در فرایند تربیت فرزندان آن را تجربه می‌کنند (کلارک، نوآک و دوپری، ۲۰۰۲).

بی‌تردید شیوع پرخاشگری در میان نوجوانان، زنگ خطری برای سیاست‌گذاران نظام تعلیم و تربیت است. این مشکل رفتاری به طور قابل ملاحظه‌ای بر عملکرد تحصیلی و حرفه‌ای نوجوانان تاثیر منفی گذاشته و احتمال ابتلا به بیماری‌های روانی و جسمانی را افزایش می‌دهد (عبدالخالقی، دواچی، صحبایی و محمودی، ۱۳۸۴). همچنین این اختلال رفتاری باعث ایجاد تصویر منفی در بین همسالان و آموزگاران، افت تحصیلی، ترک تحصیل، مصرف مواد، بیماری و مشکلات دیگر می‌شود (اسپوزیتو، ۲۰۰۶). علاوه بر این، یافته‌های برآمده از پژوهش‌ها نشانگر آن هستند که کودکان و نوجوانان پرخاشگر در بزرگسالی هم به ادامه پرخاشگری تمایل دارند (لی، ۲۰۱۴).

نظریه‌های متنوع و مختلفی در مورد چگونگی شکل‌گیری شخصیت، عوامل موثر در این شکل‌گیری، عوامل تشکیل‌دهنده شخصیت و از این قبیل عرضه شده است که بعضی کوشیده‌اند پاسخگوی همه سوالات در مورد شخصیت انسان باشند و برخی تنها به چند جنبه‌ی شخصیت پرداخته‌اند (کریمی، ۱۳۸۸). نظریه پردازان مختلف چشم اندازه‌های متفاوتی درباره ماهیت شخصیت انسان دارند. بنابراین چندان شگفت‌انگیز نمی‌باشد که

تا به امروز تعریف واحدی از شخصیت که مورد توافق همه نظریه پردازان روانشناسی می‌باشد، وجود نداشته باشد (پروبن و جان، ۲۰۰۳).

شخصیت برای فروید یکپارچگی سه پایگاه روانی نهاد، من، فرامن در سازمان روانی است. در لغت نامه وارن تعریف شخصیت چنین آمده است: شخصیت برجسته‌های عقلی، عاطفی، انگیزشی و فیزیولوژیکی فرد گفته می‌شود به عبارت دیگر به مجموعه مولفه‌هایی که انسان را سرپانگه می‌دارد (مای لی، ۱۳۸۷). در این تعریف مجموعه عوامل در کنار هم قرار داده شده است اما اشاره ای به یکپارچگی این عوامل پیدانداشته است. شلدون، پویا بودن شخصیت را در تعریف خود مطرح نمود و آن را چنین عنوان کرد: "شخصیت یا سازمان یافتگی پویایی به جنبه‌های عقلی، عاطفی، انگیزشی و فیزیولوژیکی فرد می‌گویند." (کریمی، ۱۳۸۹).

پیرون وحدت یافتگی را همراه با جنبه‌های متمایز در تعریف خود برجسته می‌نماید. بدین صورت که شخصیت به وحدت یافتگی تام و تمام یک فرد همراه با ویژگی‌های افتراقی دایم مثل هوش و مزاج در رفتار اطلاق می‌گردد. (کریمی، ۱۳۸۹). هیلگارد شخصیت را الگوهای معین از رفتار و شیوه‌های تفکر می‌داند که نحوه سازگاری مشخص را با محیط تعیین می‌کند (پروبن و جان، ۱۳۸۱). کتل با رویکرد تحلیل عاملی آن را پدیده ای می‌داند که به ما امکان پیش بینی رفتار شخص در یک موقعین معین را می‌دهد (اتکینسون، اتکینسون و هیلگارد، ۱۳۸۸). می‌شل با رویکرد موقعیتی و رفتاری نگرینکه اتخاذ کرده، آن را الگوی متمایزی از رفتار می‌داند که سازش یافتگی هر فرد را با موقعیت‌هایش در زندگی مشخص می‌کند و ریخت‌ها و رگه‌های درونی شخصیت را به نفع عوامل موقعیتی کنار می‌نهد (مورگان، ۱۹۸۶).

آپورت شخصیت را سازمان پویایی از نظام‌های روانی- فیزیولوژیکی فرد می‌داند که افکار و رفتار او را مشخص می‌کند (شولتز و شولتز، ۱۳۹۰). تعاریف روانشناسان نشان می‌دهد که به رغم واگرایی در ارائه تعریف شخصیت، ۵ ویژگی مشترک قابل استخراج است: ۱) کلیت: شخصیت یک کل متشکل از مولفه‌های تشکیل دهنده ای است که با مجموع اجزای آن متفاوت است. ۲) یکپارچگی: مولفه‌های شخصیت درهم تنیده اند به طوری که سازمان واحدی را به وجود می‌آورند. ۳) پویایی: مولفه‌های شخصیت بریکدیگر نیرو اعمال می‌کنند. ۴) پایداری: الگوهای رفتاری در طول زمان نسبتاً پایدار می‌مانند و بنابراین می‌توان رفتار را پیش بینی کرد. ۵) تفرد: مسیر تحول شخصیت فرد به سوی متمایز شدن از دیگران است. بنابراین می‌توان شخصیت را " سازمان پویا و نسبتاً پایداری که فرد را از دیگران متمایز کرده و امکان پیش بینی نسبی رفتار فرد را در موقعیت‌های معین فراهم می‌کند " تعریف کرد (آقا یوسفی، ۱۳۸۸).

¹ Pervin john

طبقه بندی چارچوبی نظام دار برای تمایز قائل شدن، نظم دادن و نام گذاری انواع گروه‌ها در یک علم می‌باشد (جان و پروین، ۱۳۸۱). از جمله اهداف اصلی طبقه بندی‌های علمی، ارائه از حوزه‌های اصلی و غایب یک علم است که از طریق آن می‌توان تعداد زیادی از موارد خاص و منفرد را به جای بررسی جداگانه، به صورت (گروهی و متعاقباً) ساده تر، مورد بررسی قرار داد. علاوه بر اینکه، یک طبقه بندی به صورت عمومی پذیرفته شده است. می‌تواند تا حد زیادی فرآیند افزایش و انتقال یافته‌های تجربی را از طریق ارائه یک سیستم نامگذاری و واژگان استاندارد تسهیل کند (جان و سریو استاوا، ۱۹۹۹). خوشبختانه علی رغم وجود چنین دشواری‌هایی، می‌توان ادعا کرد پس از چندین دهه تحقیق، روان شناسان شخصیت در حال نزدیک شدن به یک وفاق عمومی در مورد ویژگی‌های شخصیتی انسان می‌باشند: مدل پنج عاملی شخصیت (جان و سریو استاوا، ۱۹۹۹).

بر اساس این مدل، شخصیت از پنج بعد اصلی تشکیل شده است که عبارتند از: روان رنجور خوبی (N)، برونگرایی (E)، انعطاف پذیری (O)، سازگاری (A)، وظیفه شناسی (C). حجم انبوهی از تحقیقات در زمان‌های مختلف و با ابزارهای و نمونه‌های متفاوت، اصلی بودن این پنج عامل را تایید کرده اند و نشان داده اند که هر پنج عامل مذکور از اعتبار همگرا و تفکیکی بین ابزار و بین ناظر خوبی برخوردارند و در طی تحول فرد نسبتاً پایدار می‌مانند. هر کدام از عامل‌ها یک بعد هستند نه یک گونه یا نوع (مانند تیپ‌های شخصیت) بدین معنا که تفاوت افراد در هر بعد و مولفه، تفاوت کمی و درجاتی است. در این مدل هر عامل از شش مولفه تشکیل شده است که به صفات مختلف تحت پوشش آن عامل اشاره دارند (پروین و جان، ۱۳۸۱).

مهم ترین تغییر در مدل نورمن هنگامی بوجود آمد که مک کری و کاستا مدل پنج عامل جدید را ارائه دادند و آن تغییری بود که در بعد فرهنگ صورت پذیرفت. آنها مدعی شدند که این بعد تنها بار عامل اندکیبه مواد مربوط به فرهنگ دارند. در عوض بار عاملی زیادی با اصیل بودن، خلاقیت، مستقل بودن و جرات ورزی دارد. بنابراین آنها این عامل را تجربه پذیری نام نهادند. نتایج تحقیقات نشان داده است که این مدل برای سنجش شخصیت افراد در گستره و قالب سرشتی به اندازه کافی مناسب است (کارور و شیر، ۱۹۹۲). براساس نظر مک کری می‌توان معتقد شد که مدل پنج عاملی در بین تقریباً تمام سازه‌های صنعتی شخصیت دارای واریانس مشترکی بوده، بر اساس آن می‌توان آنها را در قالب پنج عامل روان رنجور خوبی، برونگرایی، انعطاف پذیری، سازگاری و وظیفه شناسی خلاصه نمود (شولتز و شولتز، ۱۳۸۱). این پنج عامل نه تنها در مقیاس‌های رتبه ای همسالان (تیوپس و کریستال، ۱۹۹۲ و ۱۹۶۱) وجود دارند، در ویژگی‌های توصیفی سویسه (۱۹۹۷) در پرسشنامه اندازه گیری نیاز و انگیزش کاستا و مک کری (۱۹۹۸) در مقیاس‌های تخصصی مجموعه A کالیفرنیا لنینگ (۱۹۹۴) و در مجموعه علایم اختلافات شخصیت کلارک و لیوسلی (۱۹۹۷) نیز آشکار هستند (مک کری و کاستا، ۱۹۹۹).

این مدل سودمندی زیادی در زمینه وحدت بخشی و انسجام بخشیدن به مفاهیم و اندازه گیری های گوناگون داشته است. تحقیقاتی که با مدل پنج عاملی مرتبط می شوند، جمعیت های گوناگون را در بر می گیرند (مک کری و کاستا، ۱۹۹۹) و غالباً دوره های متعددی زندگی را تحت پوشش قرار می دهد (مک کری و کاستا، ۱۹۹۹).

رابرت مک کری (۱۹۴۹) و پل کاستا (۱۹۴۲) با مطالعه مستمر در مرکز پژوهش های پیری شناسی موسسه علمی تندرستی ((مریلند)) و با تکیه بر روش تحلیل عاملی به پنج عامل نیرومند در شناخت ویژگی های شخصیت انسان ها دست یافتند که هر کدام از این ۵ عامل در درون خود شش ویژگی خاص (جمعاً ۳۰ ویژگی) را شامل می شوند و در واقع پنج عامل معرفی شده را می توان ((سوپر صفات)) نامید. (مایلی، ۱۹۸۵). مدل ارائه شده از سوی رابرت مک کری و پل کاستا به مدل پنج عاملی شخصیت مشهور است. این مدل شخصیت افراد را به پنج بعد بزرگ شامل روان رنجور خویی، برونگرایی، انعطاف پذیری، سازگاری و وظیفه شناسی تقسیم می کند. از این پنج عامل، دو عامل برون گرایی و مقبولیت به صفات شخصیتی دارای ماهیتی بین شخصی مربوط اند. عامل وظیفه شناسی اساساً صفات رفتاری هدف گرا و نیز کنترل تکانه ها به شکلی جامعه پسند را در بر می گیرد. در عامل نوروز گرایی، پایداری هیجانی در برابر گستره ای از هیجانات منفی مانند غم، تحریک پذیری، تنش عصبی و... قرار می گیرد و عامل گشودگی نیز به گستردگی، عمق و پیچیدگی وجوه فکری، ذهنی، و تجربیات فرد مربوط است. موثرترین قلمرو مقیاس های شخصیت تقابل سازگاری یا ثبات عاطفی با ناسازگاری یا روان رنجور خویی است. متخصصین بالینی انواع گوناگونی از ناراحتی های عاطفی، چون ترس اجتماعی، افسردگی و خصومت را در افراد تشخیص می دهند، اما مطالعات بی شمار نشان می دهد، افرادی که مستعد یکی از این وضعیت های عاطفی هستند، احتمالاً وضعیت های دیگر را نیز تجربه می کنند (مک کری و کاستا، ۱۹۹۲).

تمایل عمومی به تجربه عواطف منفی چون ترس، غم، دستپاچگی، عصبانیت، احساس گناه و نفرت مجموعه N را تشکیل می دهند و بیشترین آمادگی برای ناراحتی های روانشناختی را دارد. عواطف شکننده مانع از سازگاری می شود، هر چند مستعد داشتن علایق غیر منطقی هستند و کمتر قادر به کنترل تکانش های خود بوده و خیلی ضعیف تر از مردان و زنان با نمره بالا، با دشواری بیشتری با استرس کنار می آیند. هم چنان که اسم این عامل نشان می دهد، بمارانی که به طور سنتی به عنوان نوروتیک تشخیص داده شده اند. کلاً نمره بالایی در خرده مقیاس N به دست می آورند (به عنوان مثال آیرنگ ۱۹۶۴ به نقل از کاستا و مک کری، ۱۹۹۲). اما مقیاس روان رنجور خویی اندازه هایی همانند سایر مقیاس هایش یک بعد از شخصیت سالم را اندازه می گیرد. نمرات بالا ممکن است نشانه احتمال ابتلا به برخی از اختلالات روانی در نظر گرفته شود و نمرات بالای N ممکن است از انواع مشکلات روان پزشکی باشد، اما زیر مقیاس با یک اختلال قابل تشخیص روایی همراه نباشد. به عنوان مثال یک فرد ممکن است اختلال شخصیت چند اجتماعی داشته باشد و نمره بالایی در N کسب نکند. وقتی که نمره

فرد در مقیاس N پایین است، این فرد دارای ثبات عاطفی بوده و معمولاً آرام، معتدل و راحت است و قادر است که در مقایسه با افرادی که نمرات آنها در N فشارزاست، بدون آشفتگی یا هیاهو با موقعیتهای استرس آور روبرو شود.

برون گراها جامعه‌گرا هستند، اما توانایی اجتماعی فقط یکی از صفاتی است که حیطه برون‌گرایی دارای آن است. علاوه بر آن دوست داشتن مردم، علاقه به شرکت در گروه‌های بزرگ و گردهمایی، با جرات بودن، فعال بودن و پرحرف بودن نیز از صفات برون‌گراهاست. آنها برانگیختگی جنسی و نیز تحریک را دوست دارند و متمایلند که بشاش باشند (کاستا و مک کری، ۱۹۹۲).

بنا بر تعریف جان و سربو استارو (۱۹۹۹)، برون‌گرایی بیانگر وجود رویکردی پراثرزی به جهان مادی و اجتماعی در فرد می‌باشند که ویژگی‌هایی چون مردم‌آمیزی، فعال بودن، قاطعیت و جرات را شامل می‌شود. سازش‌پذیری نشانگر جهت‌گیری اجتماعی و جامعه‌پسند در مقابل نگرش خصمانه نسبت به دیگران می‌باشد، که ویژگی‌هایی چون نوع دوستی، خوش‌قلبی، اعتماد و فروتنی را شامل می‌شود. هر قدر که نشان دادن ویژگی‌های برون‌گراها آسان است، به همان اندازه نشان دادن ویژگی‌های درون‌گراها مشکل است. در برخی از توصیف‌های درون‌گرایی باید به منزله فقدان برون‌گرایی در نظر گرفته شود تا به عنوان ضد برون‌گرایی، از این رو افراد درون‌گرا خود دارترند تا غیر دوستانه، مستقل‌اند تا پیرو، یکنواخت و متعادلند تا تنبل، وقتی منظور این است این افراد ترجیح می‌دهند تنها باشند، شاید گفته شود این افراد کمرو هستند. خصوصیات گفته شده شاید در مواردی عجیب یا بعید به نظر برسند اما تنها به کمک تحقیقات متعددی بر آورده شده‌اند و موجب پیشرفت‌های مفهومی در مدل پنج‌عام‌گردیده‌اند (کاستا و مک کری، ۱۹۹۲).

انعطاف‌پذیری راهی بزرگ به سوی هنر، هیجان، مخاطرات، تفکرات غیر معمول، تصویرسازی ذهنی، کنجکاوی و تجارب گوناگون می‌باشد. به عنوان یک بعد اصلی شخصیت، انعطاف‌پذیری کمتر از N و E شناخته شده است. عناصر تجربه‌پذیری چون تصور فعال، احساس زیبا‌پسندی، توجه به احساسات درونی، تنوع طلبی، کنجکاوی ذهنی، استقلال در قضاوت، اغلب نقشی در نظریه‌ها و سنجش‌های شخصیت، ایفا نموده‌اند. اما به هم پیوستی آنها در یک حیطه وسیع و تشکیل‌عاملی از شخصیت به ندرت مطرح است. اشخاص تجربه‌پذیر هم درباره دنیای درونی و هم درباره دنیای بیرونی کنجکاو هستند و زندگی آنها از لحاظ تجربی غنی است. آنها مایل به پذیرش عقاید جدید و ارزش‌های غیر متعارف بوده و عمیق‌تر از اشخاص غیر منعطف، هیجان‌های مثبت و منفی را تجربه می‌کنند. زیر مقیاس‌های انعطاف‌پذیری عبارتند از: خیال‌پردازی، زیبا‌شناسی، احساس‌ها، اعمال، عقاید و ارزش‌ها (کاستا و مک کری، ۱۹۹۲). این افراد قدرت تصویرسازی ذهنی بالا، دارای گنجینه واژگان غنی، ایده‌های جالب و بدیع، وقت خود را صرف تفکر به چیزها، کلمات سخت به کار بردن دارند.

بی شک صفت سازگاری برای بهتر به دست آوردن و نگهداری مردم ویژگی سودمندی است. این افراد به مراتب بهتر از افراد فاقد تطابق پذیری عمل می‌کنند و در مواجهه با موقعیت‌های سخت و متضاد، افکار مطلق استبدادی را بکار نمی‌گیرند. افرادی که تطابق پذیری دارند می‌توانند یک دانشمند، کارشناس، منتقد و سرباز خوبی باشند. همانند برون‌گرایی، سازگاری بعدی از تمایلات بین شخصی است. افراد همساز به هم حسی، همکاری، اعتماد کردن و حمایت‌های بین شخصی تمایل دارند. قطب مقابل مسئولیت پذیری، عدم مسئولیت پذیری است. این افراد اشخاص بی‌اعتماد، شکاک، فاقد هم‌حسی، کله شق و خشن هستند (لیبرت و لیبرت، ۱۹۹۸). زیر مقیاس‌های مسئولیت پذیری عبارتند از: اعتماد، صراحت، نوع دوستی، پیروزی، تواضع و دل‌رحم بودن (کاستا و مک کری، ۱۹۹۸).

کاستا و مک کری (۱۹۹۸) معتقدند که این عامل با کنترل تکانه‌ها و خویشتن داری قدرت اراده و موفقیت ارتباط دارد. این صفت به نشان دادن خود انطباقی، عمل به وظایف و نائل شدن به موفقیت دلالت می‌کند. غلبه نقشه بر رفتار بی‌هدف و بی‌نظمی از ویژگی‌های این صفت محسوب شود. با این صفت محسوب شود. با این صفت می‌توانیم راهی برای کنترل، هدایت و تنظیم تکانه‌های خودمان پیدا کنیم. عمده ترین مساله مورد شمول صفت و وظیفه شناسی عبارت است از ((نیاز به موفقیت)). آنها علی‌رغم موانع موجود، در رفع آنها مصرنده و تمایل به دقت و کامل بودن دارند. وظیفه شناسی معمولاً با پشتکار و قابلیت‌های جسمانی مرتبط است. افراد فاقد این صفت از باریک بینی لازم، دقت و پاکیزگی زیاد اجتناب می‌کنند (لیبرت و لیبرت، ۱۹۹۸). زیر مقیاس‌های وظیفه شناسی عبارتند از شایستگی، نظم و ترتیب، فرمانبرداری، پیشرفت طلبی، خود نظم دهی و حساسگری مفید بوده و شاخص مناسبی برای پیشگویی عملکرد در بسیاری از مشاغل می‌باشد. چرا که تمایل این افراد برای دستیابی به موفقیت بیش تر است.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از منظر هدف، کاربردی و از نظر نوع پژوهش، توصیفی-تحلیلی بوده و در سال ۱۳۹۶ انجام شده است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه فاین جی، مورلیز و اندرو شویل (۱۹۸۳) که شامل ۲۴ سؤال برای سنجیدن نظر جوانان درباره رابطه آنها با والدین شان است و همچنین برای سنجش خشم از پرسشنامه باس و پری استفاده گردید. این پرسشنامه مرکب از ۲۹ عبارت است که چهارگونه از رفتارهای پرخاشگرانه، یعنی پرخاشگری بدنی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت را ارزیابی می‌کند، پاسخ‌ها در این مقیاس براساس مقیاس ۵ درجه ای لیکرت {کاملاً شبیه من است (۵)، تا حدودی شبیه من است (۴)، نه شبیه من است (۳)، تا حدودی شبیه من است (۲)، به شدت به من شبیه نیست (۱)} محاسبه می‌شوند. این پرسشنامه یکی از

آزمونهای شخصیتی است که بر اساس تحلیل عوامل ساخته شده است و از جدیدترین ابزارها در زمینه شخصیت است که توسط مک کری و کوستا در سال ۱۹۸۵ تحت عنوان پرسشنامه شخصیتی NEO معرفی شد. فرم تجدید نظر شده این پرسشنامه توسط همان مولفین تحت عنوان فرم تجدیدنظرشده پرسشنامه شخصیتی نئو ارائه شده است.

همچنین برای اندازه‌گیری شخصیت از پرسشنامه شخصیت نئو استفاده شده است که پنج عامل یا حیطه اصلی روان‌نژندی، برونگرایی، انعطاف‌پذیری، دلب‌پذیربودن و مسئولیت‌پذیری در آن طراحی شده است. این پرسشنامه یکی از آزمونهای شخصیتی است که بر اساس تحلیل عوامل ساخته شده است و از جدیدترین ابزارها در زمینه شخصیت است که توسط مک کری و کوستا در سال ۱۹۸۵ تحت عنوان پرسشنامه شخصیتی NEO معرفی شد.

در این تحقیق جامعه آماری مورد بررسی کلیه دختران پایه نهم دوره اول متوسطه شهر یزد در سال ۹۶-۹۷ می‌باشند که تعداد نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۲۵۰ نفر به دست آمد. انتخاب گروه نمونه به دلیل پراکندگی جامعه مورد مطالعه به روش تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انجام گرفت. به این صورت که از ۲ ناحیه آموزش و پرورش یزد، ناحیه ۲ به صورت تصادفی انتخاب شد. از بین دبیرستان‌های مقطع دوره اول، ۵ دبیرستان به صورت تصادفی انتخاب گردید و سپس پرسشنامه‌های پرخاشگری و شخصیت توسط ۲۵۰ نفر دانش‌آموز تکمیل و جمع‌آوری شد که نهایتاً پرسشنامه‌های قابل بررسی ۱۷۷ عدد بود. بنابراین ۱۷۷ دانش‌آموز نمونه پژوهش ما را تشکیل دادند. پایایی و روایی مقیاس پرخاشگری، باس و پری در ایران توسط محمدی مورد سنجش قرار گرفت. ضرایب روایی میان ۰/۳۷ تا ۰/۷۸ متغیر بود و معنادار بودند و آلفای کرونباخ ۰/۸۹ نشان دهنده اعتبار پرسشنامه فارسی پرخاشگری باس و پری می‌باشد.

پایایی و روایی پرسشنامه شخصیت در کشورهای مختلف جهان از جمله در ایران اعتبار یابی شده است. در ایران فرم بلند، توسط گروسی، مهریار و طباطبایی (۱۳۸۰) اعتباریابی شد و نتایج شبیه نتایج بدست آمده در آزمون درکاستا (۱۹۹۲) نشان داد که همبستگی ۵ زیرمقیاس فرم کوتاه یا فرم بلند از ۰/۷۷ تا ۰/۹۲ می‌باشد. همچنین همسانی درونی زیرمقیاس‌های آن در دامنه ۰/۶۸ تا ۰/۸۶ برآورد شده است.

یافته‌ها

پس از جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز، داده‌ها به دو روش مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. ابتدا برای توصیف دقیق جامعه آماری مورد بررسی از آمار توصیفی (جداول فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد) و آمار استنباطی پس از اطمینان از نرمال بودن داده‌ها توسط آزمون کولموگروف اسمیرنوف، آزمون ضریب همبستگی پیرسون و

پیش بینی پرخاشگری بر پایه ویژگی های شخصیتی دختران نوجوان پایه نهم شهر یزد

تحلیل رگرسیون چندگانه با استفاده از نرم افزار SPSS23 مورد سنجش قرار گرفته و به استناد آزمون های انجام شده نسبت به تایید یا رد فرضیات تصمیم گیری شده است.

جدول ۱. شاخص های توصیفی پرخاشگری دختران

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار
پرخاشگری دختران	۱۷۷	۹۱/۷۰	۱۹/۲۴

همانطور که از جدول ۱ مشخص است میانگین و انحراف معیار نمرات پرخاشگری دختران به ترتیب برابر با ۷۰,۹۱ و ۲۴,۱۹ می باشد.

جدول ۲: شاخص های توصیفی ویژگی های شخصیتی

متغیر ویژگی های شخصیتی	تعداد	میانگین	انحراف معیار
روان آزرده گرایی	۱۷۷	۱۸.۴۰	۵,۰۸
برونگرایی	۱۷۷	۷۵.۳۸	۴,۳۹
گشودگی	۱۷۷	۵۵.۴۰	۴,۳۰
موافق بودن	۱۷۷	۵۸.۳۵	۵,۲۴
با وجدان بودن	۱۷۷	۳۸.۳۸	۵,۸۳

همانطور که از جدول ۲ مشخص است بالاترین میانگین (۵۵.۴۰) مربوط به ویژگی شخصیتی گشودگی و پایین ترین میانگین (۳۵.۵۸) نیز مربوط به ویژگی شخصیتی موافق بودن می باشد. برای بررسی ادعای وجود همبستگی بین دو متغیر کمی ویژگی های شخصیتی و پرخاشگری از تحلیل همبستگی استفاده می کنیم. همانطور که در جدول مشخص است ضریب همبستگی پیرسون و سطح معناداری و تعداد داده ها را نشان می دهد. بر اساس این خروجی از آن جایی که سطح معناداری کمتر از ۵ درصد است (۰/۰۰۰) معلوم می گردد همبستگی بین این دو متغیر وجود ندارد.

جدول ۳: همبستگی مربوط بین ویژگی های شخصیتی و پرخاشگری نوجوان

پرخاشگری نوجوان			
همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	نتیجه نهایی
روان آزرده گرایی	۰/۴۴۹	۰/۰۵۷	عدم رابطه
درونگرایی	۰/۷۵۸	۰/۰۲۳	عدم رابطه
گشودگی	۰/۹۴۳	-۰/۰۰۵	عدم رابطه
موافق بودن	۰/۵۰۱	-۰/۰۵۱	عدم رابطه
با وجدان بودن	۰/۳۳۴	-۰/۰۷۳	عدم رابطه

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به منظور پیش بینی پرخاشگری نوجوان بر پایه ویژگی‌های شخصیتی در دختران نوجوان پایه نهم شهر یزد انجام پذیرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق تحلیل واریانس رگرسیون نشان می‌دهد که در سطح معناداری کمتر از ۵ درصد بین ویژگی‌های شخصیتی نوجوانان و پرخاشگری نوجوان رابطه معناداری وجود ندارند. این یافته با پژوهش شعبانی بهار (۱۳۸۵) با عنوان مقایسه و بررسی ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی و میزان پرخاشگری در ورزشکاران در رشته‌های منتخب ورزشی شهرستان همدان همسو است که مشخص شد بین خصیصه درون‌گرایی و برون‌گرایی و پرخاشگری در بین ورزشکاران رشته‌های بکس، تنیس روی میز، بدمینتون، فوتبال، بسکتبال و هندبال معنی‌دار نیست همچنین ضریب همبستگی بین خصیصه باثباتی و پرخاشگری در بین ورزشکاران رشته‌های بکس، بسکتبال، هندبال والیبال معنی‌دار نیست. همچنین این یافته با پژوهش مهتا اسکندر نژاد و همکاران (۱۳۹۵) تحت عنوان بررسی عوامل شخصیتی و تکانشگری در مردان فعال و غیر فعال شهر تبریز که نشان داده ابعاد تکانشگری با مولفه‌های گشودگی و برون‌گرایی شخصیت رابطه معناداری ندارد همسو است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت کاستا و مک کرا (۱۹۹۲) پنج عامل بزرگ شخصیت را تمایلاتی معرفی کرده‌اند که زمینه زیستی دارد یعنی تفاوت‌های رفتاری مربوط به پنج عامل به ژن‌ها، ساختار مغز و مانند آن بر می‌گردد. این تمایلات اساسی، آمادگی عمل و احساس به نحوی خاص است و به طور مستقیم تحت تاثیر محیط قرار ندارند. آن‌ها با طرح مجدد مسئله طبیعت در برابر تربیت، نظر خود را به این ترتیب بیان می‌کنند: «جان کلام این است که صفات شخصیت مانند خلق و خو، آمادگی‌های درونی در مسیر رشد بوده و اساساً مستقل از تاثیرات محیطی هستند» با توجه به شواهد مربوط به ارثی بودن تمایلات اساسی، تاثیرات محدود آن‌ها از والدین و مطالعاتی که در سایر فرهنگ‌ها و انواع موجودات شده است، مک کرا و کاستا معتقدند که شخصیت از یک ریش درونی نشأت می‌گیرد. با این دید، صفات شخصیت بیشتر متأثر از عوامل زیستی است تا محصول تجربه زندگی و شکوفایی تمایلات اساسی به وسیله محیط. به عنوان مثال تفاوت‌های اصلی بین درون‌گرایی و برون‌گرایی که اولین محور نظریه پنج عاملی هست، رفتاری نیست بلکه زیستی و ژنتیکی است و علت اصلی آن در سطح انگیزتگی مغزی آن‌ها است افراد برون‌گرا برخلاف افراد درون‌گرا، سطح انگیزتگی مغزی پایین‌تر و آستانه حسی بالاتر دارند، به تحریک حسی واکنش کمتری نشان می‌دهند و به خاطر پایین بودن سطح برانگیزتگی مغزیشان به تحریک نیاز دارند و به طور فعال آن را می‌جویند.

منابع

- آقا یوسفی، ع. (۱۳۸۸). تحلیل شخصیت بر اساس دست نوشته. نصر قم.
- اتکینسون، آر ال، اتکینسون، آر اس، هیلگارد، ا. (۱۳۸۸). زمینه روانشناسی هیلگارد. ترجمه محمد نقی براهنی. چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات رشد.
- بقایی لاکه، م و خلعتبری، ج. (۱۳۸۹). اثربخشی برنامه آموزش مدیریت خشم بر کنترل و خودنظم دهی خشم و تکانشگری مادران دانش آموزان پسر مقطع ابتدایی شهر رشت. پرستاری و مامایی جامع نگر (فصل نامه دانشکده‌های پرستاری و مامایی استان گیلان)، دوره ۲۰، شماره ۶۳، ص ۹-۱.
- پروین، لارنس، و جان، اولیور، بی. (۱۳۸۸). شخصیت؛ نظریه و پژوهش. ترجمه محمد جعفر جوادی و پروین کدیور. تهران: انتشارات آبیژ. تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۳.
- رابینز، استیفن. (۱۳۸۳). مدیریت رفتار سازمانی، ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ پنجم.
- شولتز، د، شولتز، س. (۱۳۹۰). نظریه‌های شخصیت. ویراست هشتم. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: نشر ویرایش.
- عبدالخالقی، م، دواچی، ا، صحبایی، ف و محمودی، م. (۱۳۸۴). بررسی ارتباط بازی‌های ویدئویی-رایانه ای با پرخاشگری در دانش آموزان پسر مقطع راهنمایی. فصلنامه علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پزشکی تهران، دوره پانزدهم، ۳، ۱۴۵-۱۴۱.
- کریمی، یوسف (۱۳۸۹). نظریه های شخصیت. تهران. ویرایش.
- کریمی، د. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و عملکرد شغلی نیروهای پلیس. نشریه توسعه انسانی پلیس، دوره ۶، شماره ۲۵، ص ۲۵-۳۹.
- گلچین، م. (۱۳۸۱). تمایل به پرخاشگری در نوجوانان و نقش خانواده. مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی قزوین. شماره ۲۱.
- مای لی و ربرتو، ساخت، پدیدآیی و تحول شخصیت، ترجمه محمود منصور، چ پنجم، دانشگاه، ۱۳۸۷.

- Clark, R., kovok, k, & Dppree, D. 2222222 “Relationship of perceived parenting practices to anger regulation and coping strategies in African- mmerican adolescents.. Journal of Adolescence, 25, 373.
- Costa, P. t. & McCrae, R. R. (1992). Revised NEO Personality inventory (NEO-PI-R) and new five factor Inventory (NEO-ffi) Professional manual, oedssa fi: Psychological assessment resources.
- Esposito, S. E. (2006): Peer aggression among adolescent: characteristics of the rictims. Ph. D. dissertation, Retrieved from. [http:// www. Science direct. Com](http://www.Science direct. Com) .
- Goldberg, Ir 1999. A broad-bandwidth, public domain, personality inventory measuring the lower-level facets of sevrsal five factor models, Personality psychology in erope, vol. 7, pp. 7-28.
- John, O. P. Stivstrava, S. (1999). The big five taxonomies: history, measurement, and the oretical perspectives. (ed), hand book of personality: Theory and research. (pp. 102-136). The Guilfod press .
- Lee J. 4444444 Teppra ment, marenting, and South uorean early adolescent’s physical aggression: A five-wave longitudinal analysis. Health Education Journal, 73(3), 313-323 .
- Libert, R. M. & Libert, I. I. (1998). Personality sterategies and issue. Pacific grove, brook Cole publishing company .
- Maccrae, R. R. & Costa, P. T. 1999. Handbook of Personality: theory and research 2nd ed., pp. 139-153. New York: Guilford press .
- Morgan, C,t. , (1986). Introduction to psychology; macgraw-hild book.
- Norman,W. T. (1963), "Toward an Adequate Taxonomy of Personality Attributes: Replicated Factor Structure in Peer Nomination Personality Ratings", Journal of Abnormal and Social Psychology 66, pp.574-588.
- Tupes, E.C. and Christal, R.E. (1961) Recurrent Personality Factors based on Trait Ratings.USAF ASD Tech. Rep. No. 61-97, Lockland Air Force Base, TX: US Air Force.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مركز جامع علوم انسانی

Forecasting aggression based on personality traits of teenage girls in the ninth of Yazd city grade

Fereshteh Sadat Seyed Hasani¹

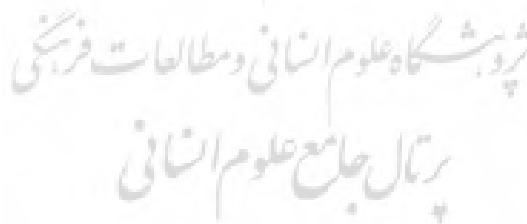
Najmeh Sedrpoushan²

Mohammad Hussein Fallah³

Abstract

Aggression is an abnormal phenomenon of adolescence which has a significant outbreak hence; this phenomenon has become an important topic in the study of psychology and sociology. Research has shown that personality factors are related to aggression, therefore, this research was conducted with the aim of predicting aggression based on personality traits of 9th grade girls in Yazd. The present study was a correlation study and the study population was all ninth grade female students in Yazd. For this purpose, 177 students were selected using cluster random sampling method. The samples completed the Buss-Perry Aggression Questionnaire (BPAQ) (1992) and the Five Personality Factor Questionnaire (neo-ffi-r) Costa and Mc Carey (1992). The data were analyzed using the statistical methods of Pearson correlation and regression analysis in the SPSS23 software. The data analysis results showed that there was no significant relationship between adolescent aggression and their personality traits.

Keywords: Aggression, Personality Traits, Adolescents



¹ Department of Consulting and guidance, Yazd branch Islamic Azad University, Yazd, Iran. seidhasani.f@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Consulting Khomeynishahr Branch, Islamic azad University, Khomeynishahr, Iran

³ Associate Professor, Department of psychology, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran